وزارت و وزراء سامانیان

روحانی، سید کاظم

مقدمه:در این نوشته درباره اهمیت دیوان وزارت و کارهای وزیران‏ باختصار سخن خواهد رفت شرح زندگی‏نامه وزراء سامانی تا آنجا که بکار ما مربوط میشود بازگو می‏کنیم.

میان وزراء بیش از همه ابو الفضل بلعمی و ابو علی بلعمی و جیهانی و عتبی مشهورترند و با کفایت‏تر.

مخصوصا که این پدر و پسر بلعمی فضلی گرانبار داشتند و دانشی غنی‏ وجیهانی هم وزیری کاردان بود و دنیادیده و گردیزی در مدح وی سخت سخن‏ رانده است و تا اندازه‏ای بحق.

ابو علی بلعمی در تاریخ و ادب ماهم جای پرارجی دارد به سبب ترجمه‏ای‏ که بر کتاب تاریخ ابن جریر آورده است و آن کتاب را که از امهات تواریخ‏ است از تازی به پارسی برگردانده و بقول علامه مدقق و محقق دکتر غلامحسین‏ صدیی گوهری است که از گنج خانه بتاراج رفته ادب فارسی برجای‏ مانده است.

اما در دستگاه سامانیان وزیران و دیوان وزارت از اغتشاشات برکنار نمانده است به‏سبب ارجی که به مقام وزارت می‏دادند و به‏جهت نفوذیکه آنان‏ داشتند و در آن دوران و زمانه نفوذ صاحب سالاران که در درگاه یا دربار ایران کار میکردند و هم‏چنین سپهسالاران که مرکز قدرت و نیرومندی سیاسی‏ بودند نباید از نظر دور داشت.و این سه نیرو و قدرت برای بازی در میدان‏ سیاست که بی جاه‏طلبی هم نبوده است مکررا به تحریکات دست یازیده‏اند و به اغتشاشات هم.

و روی این اصل سرگذشت وزیران سامانی چندان بخوشی انجام نیافته‏ است آن‏سان که وزیران حکومت‏های دیگر ایران نداشتند.نه‏تنها رضامندی‏ امیر محل تأثیر نبود بلکه چه‏بسا غلامان و ندیمان دربار دست اندر کار تحریکات علیه وزیران بودند.سرنوشت الحاکم وزیر نه مگر چنین بود که به تحریک‏ غلامان و لشکریان برافتاد و چه سختناک زندگی را پایان داد.

و شگفت اینجاست تسلط سپهسالاران و حتی سرداران در اواسط حکومت‏ سامانیان و بعد،آن‏قدر زیاد بوده نه اینکه وزیران دست‏نشانده و منتخب آنان‏ بودند بلکه ایران هم ناچار از اطاعتشان می‏شدند و همین امر سبب شکست در ارکان موثر حکومت سامانی گشت و یکی از عواملی موثر سقوط آن سلسله گردید.

وزراء سامانیان‏ وزارت ابو الفضل بلعمی

نام این وزیر محمد و پدرش عبید اله از قبیله تمیم و کنیتش ابو الفضل و به بلعمی کبیر یا بزرگ و میر ابو الفضل و خواجه بلعمی نیز مشهور گردیده است‏ و بقول سمعانی ابو الفضل بلعمی یگانه عصر خویش و در عقل و رأی و بزرگداشت‏ دانش و دانشمندان بود1\*بلعمی نزد ابی عبد اللّه محمد بن نصر الفقیه درس‏ مصنفات آموخته و ضمنا نزد محمد بن حابر و محمد بن حاتم بن المظفر و ابا الموحد محمد بن عمر و صالح بن نصر بن ضریر و اسماعیل بن احمد علم حدیث آموخت‏ و در پرتو هوش سرشار و درایت و کفایت که در وی بود پیشرفت زیاد نمود و یکی‏ از بزرگان و رجال علمی عصر خویش گردید.2

ابو الفضل بلعمی وزیر اسمعیل بن احمد امیرعادل(279-295)و وزیر ابو نصر احمد بن اسماعیل(295-301)و نصر بن احمد بوده است(331- 301).در آثار الوزراء درباره ابو الفضل بلعمی‏آمده است:

«و از کبار وزرای عجم است و اسماعیل بن احمد سامانی وزارت بدو تفویض فرمود و در رفع لوای معدلت و نصفت و تدبیر امور مملکت و ترتیب مصالح‏ دولت باقصی الغایة الامکان بکوشید»3

(1)-تارخ بلعمی به تصحیح بهار ص 33 مقدمه

(2)-تاریخ افغانستان ج سوم قسمت تاریخ سامانیان ص ی‏462ی‏362

(\*)شماره‏هائی که در متن مقاله آمده است اشاره به مآخذی است که‏ در پایان این نوشته‏ها آورده میشود.

(3)-آثار الوزراء تصحیح محدث ص 145 و 147 انتشارات دانشگاه تهران‏ شماره 528 و هم‏چنین کتاب نسائم الاسحار ص 35

در زمان احمد بن اسماعیل طبرستان شاهد مبارزات سادات علوی برای‏ استقلال و خودمختاری بود و امیر سامانی که خود را تا حدودی تابع خلفای‏ بغداد می‏دانست و از طرفی دستگاه خلافت بغداد به نهضت علویان روی خوش‏ نشان نمیداد و گذشته از آن طبرستان قبلا هم در قلمرو سامانیان بود لذا محمد صعلوک را حکومت طبرستان داد و ابو الفضل محمد بن عبد اللّه بلعمی را همراه‏ وی به طبرستان روانه کرد.

اما چون بلعمی به بخارا برگشت ناصر کبیر وقت را مناسب یافته از گیلان به طبرستان آمد(4)و پسرش ابو الحسین محمد را بدفع محمد صعلوک‏ فرستاد و صعلوک در سال 301 در چالوس مغلوب گردید و ناصر بر تمام طبرستان‏ دست یافت.

ابو الفضل بلعمی یک‏بار دیگر بوزرات برنشسته است چه وقتی نصر بن‏ احمد به امارت رسید ابو عبد اللّه جیهانی وزیر وی گردید پس از مرگ جیهانی‏ نصر بن احمد وزارت بوی سپرد.

این وزیر که در زمان امیران سابق لیاقت و درایت نشان داده بود در زمان نصر بن احمد هم کفایت را بحد نهایت رسانید و ابو الفضل بیهقی در باب‏ وی گوید:

«یک روز خلوتی کرد با بلعمی که بزرگتر ورزیر وی بود و بو طیب مصبعی‏ صاحب دیوان رسالت و هردو یگانه روزگار بودند در همه ادوات فضل(5)

ابو الفضل بلعمی پس از مرگ جیهانی وزارت یافت و تاریخ مرگ جیهانی‏ بزرگ یا اول درست مشخص نیست ولی حیات وی بقول نرشخی در تاریخ بخارا تا سال 306 معلوم نشده است.(6)

یکی از وقایع بسیار مهمی که در دوره حکومت نصر و وزارت بلعمی وقوع‏ یافت فتنه بزرگی بود که توسط سه برادر نصر بن احمد در سال 318 در بخارا رخ داده بود.

(4)-دیده می‏شود تاریخ طبرستان ابن اسفندیار و تاریخ طبرستان و مازندران‏ مرعشی و کتاب تاریخ مازندران مهجوری ج اول

(5)-تاریخ بیهقی تصحیح دکتر غنی و فیاض ص 108 چاپ یاد شده

(6)-یادداشت‏های علامه قزوینی ص 204 و 205 جلد دوم انتشارات دانشگاه‏ تهران شماره-253